

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه سیستان و بلوچستان
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

بررسی نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ هشت ساله ایران و عراق

استاد راهنما:

دکتر محمد پیری

استاد مشاور:

دکتر مسعود مرادی

تحقیق و نگارش:

سعید رضایی حسین آباد

بهمن ۱۳۹۲

بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان «بررسی نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ هشت ساله ایران و عراق» قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، توسط دانشجو، سعید رضایی حسین آباد، با راهنمایی استاد پایان نامه، دکتر محمد پیری، تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می‌باشد.

سعید رضایی حسین آباد

این پایان نامه واحد درسی شناخته می‌شود و در تاریخ توسط هیئت داوران بررسی و درجه به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: دکتر محمد پیری		
استاد راهنما:		
استاد مشاور: دکتر مسعود مرادی		
داور ۱: دکتر عباسعلی آذرنیوشه		
داور ۲: دکتر کورش صالحی		
نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر عباس نیکبخت		



تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب سعید رضایی حسین آباد تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: سعید رضایی حسین آباد

امضاء

تقدیم بہ:

ہمسفر مہربانم کہ با صبر و بردباری، مراد نکارش این اثر یاری رساند

باسپاس فراوان از اساتید بزرگوار:

دکتر محمد پسری، دکتر مسعود مرادی و کرامت داشت یاد و خاطره استاد بزرگوار، دکتر فراهازی

همچنین،

از بنیاد هیلیمان (خانواده شهدای ترور کشور) که با سه صدر و در اختیار قرار دادن آرشو خود، کمک شایانی به

اینجانب نمودند، کمال تشکر را دارم

چکیده:

توسل به مشی مسلحانه و قهرآمیز به عنوان راه‌حل نهایی مبارزه با حاکمیت استبداد در ایران عصر پهلوی، محصول به‌بن‌بست رسیدن مبارزه در چارچوب قانون، انسداد سیاسی و سرکوب خونین مخالفین بود. سازمان مجاهدین خلق که در سال ۱۳۴۴ تأسیس، و در سال ۱۳۵۰، موجودیت خود را اعلام کرد، شاخه مذهبی نهضت آزادی ایران محسوب می‌شد. این سازمان به تدریج به دیدگاه‌های مارکسیستی نزدیک گردید و در سال ۱۳۵۴ به طور رسمی اصول این مکتب فکری و مبارزاتی را پذیرفت. سازمان مجاهدین در دوران نظام شاهنشاهی اقدامات و فعالیت‌های مختلفی علیه رژیم پهلوی انجام داد؛ به همین علت، اکثر اعضای آن به زندان افتادند. با پیروزی انقلاب اسلامی، اعضای قدیمی از جمله مسعود رجوی به کمک دوستانش، این سازمان را بازسازی کردند و کوشیدند در حاکمیت جدید قدرت را به‌طور کامل بدست گیرند؛ لیکن در این امر موفق نشدند. از این‌رو سازمان در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ وارد فاز نظامی و درگیری مسلحانه با نظام نوپای جمهوری اسلامی شد. با شکست استراتژی قیام مسلحانه و فرار رجوی به فرانسه، سازمان به دنبال مجالی برای رسیدن به هدف براندازی جمهوری اسلامی بود؛ جنگ ایران و عراق این فرصت را در اختیار سازمان قرار داد.

در پی عزیمت مسعود رجوی به عراق و انتقال مرکزیت سازمان به این کشور، تشکیل ارتش آزادی‌بخش ملی و قرار گرفتن آن‌ها در کنار ارتش عراق، مبارزه سازمان با جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی شد. در این دوره سازمان با اقداماتی مانند جاسوسی از داخل خاک ایران، کمک به سیستم شنود ارتش عراق، شناسایی خطوط دفاعی ایران، انجام عملیات‌های نظامی و... در خدمت ارتش عراق قرار گرفت.

در این پژوهش که براساس هدف بنیادی و از نظر ماهیت و روش از نوع تحقیقات تاریخی می‌باشد، سعی بر آن بوده تا با بررسی اسناد و مدارک، صحت و سقم فرضیه‌های مطرح شده مشخص گردد. در این راستا استنباط می‌شود که سازمان مجاهدین خلق با سودای به‌دست آوردن قدرت در ایران، با دشمن ملت ایران، هم‌پیمان گشت که البته علیرغم تمامی اقدامات صورت داده در دوران جنگ، در این مسیر ناکام ماند.

کلمات کلیدی: سازمان مجاهدین خلق، قیام ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، جنگ هشت ساله، ارتش عراق

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات طرح تحقیق	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- تعریف مسأله و بیان سوال‌های اصلی تحقیق	۴
۳-۱- فرضیه‌ها	۵
۴-۱- سابقه و ضرورت انجام تحقیق	۶
۵-۱- اهداف	۸
۶-۱- کاربردهای تحقیق	۸
۷-۱- روش انجام تحقیق	۸
۸-۱- روش و ابزار گردآوری اطلاعات	۸
۹-۱- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات	۸
فصل دوم: ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری، تأسیس و فعالیت سازمان تا انقلاب اسلامی	۹
۱-۲- زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری	۱۰
۲-۲- تأسیس سازمان مجاهدین خلق ایران	۱۹
۱-۲-۲- انگیزه‌ها و دلایل تشکیل سازمان مجاهدین خلق ایران	۲۰
۳-۲- مبانی فکری و ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق	۲۳
۱-۳-۲- سازمان تا سال ۱۳۵۴	۲۳
۲-۳-۲- صف‌بندی جدید نیروها پس از سال ۱۳۵۴	۲۸
۴-۲- اقدامات سازمان تا پیروزی انقلاب	۳۰
فصل سوم: مواضع و عملکرد سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۳۲
۱-۳- تحلیل سازمان از انقلاب اسلامی	۳۳
۲-۳- روند توسعه سازمان پس از پیروزی انقلاب اسلامی	۳۳
۳-۳- طرح و تثبیت سازمان	۳۵
۴-۳- خط نفوذ در نهادهای جمهوری اسلامی	۳۵

- ۳۵-۱-۴-۳ نفوذ در مراکز حساس
- ۳۶-۲-۴-۳-۲ جاذبه امور اطلاعاتی برای سازمان
- ۳۷-۳-۴-۳-۳ تصریح سازمان بر حضور و نفوذ در نهادها
- ۳۷-۵-۳-۳ روند تقابل سازمان با انقلاب اسلامی
- ۴۱-۶-۳-۳ دلایل عدم اعتماد رهبری انقلاب به سازمان
- ۴۱-۱-۶-۳-۳ شناخت رهبری انقلاب نسبت به مواضع ایدئولوژیک سازمان
- ۴۲-۲-۶-۳-۳ مخالفت رهبر انقلاب با مشی مسلحانه سازمان
- ۴۳-۳-۶-۳-۳ نامشخص بودن هویت سازمان
- ۴۳-۴-۶-۳-۳ تمامیت‌خواهی سازمان
- ۴۶-۷-۳-۳ بنی‌صدر و پیوند با سازمان
- ۴۷-۱-۷-۳-۳ غائله ۱۴ اسفند
- ۴۹-۲-۷-۳-۳ موضع‌گیری دادستان انقلاب نسبت به حوادث ۱۴ اسفند ۱۳۵۹
- ۵۰-۳-۷-۳-۳ بن‌بست و رفراندوم
- ۵۳-۴-۷-۳-۳ حکم عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا
- ۵۴-۵-۷-۳-۳ تصویب عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر
- ۵۶-۸-۳-۳ اعلام رسمی «فاز مسلحانه» علیه انقلاب اسلامی
- ۵۷-۹-۳-۳ قیام مسلحانه ۳۰ خرداد ۱۳۶۰
- ۵۹-۱۰-۳-۳ اقدامات تروریستی سازمان تا پیوستن به صدام
- ۶۴- فصل چهارم: سازمان و جنگ تحمیلی
- ۶۵-۱-۴-۳-۱ پیشینه ارتباطات سازمان و عراق
- ۶۵-۱-۴-۳-۱-۱ مواضع علنی سازمان در قبال عراق
- ۶۶-۲-۴-۳-۱-۲ سازمان و جنگ تحمیلی
- ۷۳-۲-۴-۳-۲ پیوند سرنوشت سازمان به جنگ ایران و عراق
- ۷۳-۳-۴-۳-۳ راهبرد جنگ آزادی‌بخش نوین با هدف سرنوشتی نظام سیاسی ایران
- ۷۷-۴-۴-۳-۴ اهداف صدام از همکاری گسترده با سازمان
- ۷۸-۵-۴-۳-۴ اهداف سازمان از همکاری با رژیم عراق
- ۸۱-۶-۴-۳-۴ ارتباط سازمان با دستگاه‌های اطلاعاتی عراق
- ۸۱-۱-۶-۴-۳-۴ اداره کل اطلاعات و ضد اطلاعات نظامی (استخبارات)
- ۸۲-۲-۶-۴-۳-۴ سازمان کل اطلاعات (مخابرات)

۸۳ اداره کل امنیت (الامن العام) . ۳-۶-۴
۸۳ اداره امنیت ویژه (امن الخاص) . ۴-۶-۴
۸۴ افشای روابط سازمان و رژیم بعث . ۷-۴
۹۱ خدمات سازمان به سرویس امنیتی عراق . ۸-۴
۹۳ شنود مکالمات . ۱-۸-۴
۹۵ تخلیه تلفنی . ۲-۸-۴
۹۶ کسب اطلاعات از اسرا . ۳-۸-۴
۹۷ سانسور و جعل نامه‌های اسرای مقاوم . ۴-۸-۴
۹۷ جذب نیرو از میان اسرا . ۵-۸-۴
۹۸ کسب اطلاعات از شبکه خانواده های مجاهدین در ایران . ۶-۸-۴
۹۸ ارائه اطلاعات راهبردی توسط مسئولان سازمان به فرماندهان عراقی . ۷-۸-۴
۱۰۰ خدمات رژیم عراق به سازمان . ۹-۴
۱۰۱ عملیات‌های نظامی سازمان علیه جمهوری اسلامی . ۱۰-۴
۱۰۲ عملیات آفتاب . ۱-۱۰-۴
۱۰۴ عملیات چلچراغ . ۲-۱۰-۴
۱۰۵ عملیات فروغ جاویدان . ۳-۱۰-۴
۱۱۱ ارزیابی و تحلیل داده‌ها . ۱۱۱
۱۱۴ نتیجه . ۱۱۴
۱۱۶ فهرست منابع . ۱۱۶

فصل اول

کلیات طرح تحقیق

۱-۱- مقدمه

دهه ۱۳۴۰ در ایران، از نظر رشد جنبش‌های رهایی‌بخش و برانداز پیرو دو دسته تحولات خارجی و داخلی بوده است. رشد روزافزون جنبش‌های چریکی چپ در اقصی نقاط جهان، به‌ویژه در جهان سوم و گسترش محبوبیت سازمان‌ها و افراد انقلابی میان جوانان ایران به عنوان عامل خارجی در شکل‌گیری سازمان‌ها و گروه‌های چریکی و انقلابی موثر بود. در کنار این مسأله، سیاست‌های اصلاح‌طلبانه رژیم شاه که با هدایت آمریکا برای تثبیت نظام پهلوی و تحدید اندیشه‌های مخالف و به انفعال کشاندن نیروهای مبارز انجام می‌شد، فضای سیاسی جامعه را مسدود و نیروهای فعال اجتماعی را منزوی کرد. در پی این تحولات، روند فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی یکسویه شد و عرصه‌های مدیریت کشور صیغه مستبدانه به خود گرفت. در مجموع، سرکوب نیروهای فعال اجتماعی، تعطیلی احزاب قدرتمند سیاسی، ممانعت از رشد و توسعه جامعه مدنی و کنترل‌های امنیتی و خشن که موجب از بین رفتن حقوق و آزادی‌های سیاسی، مذهبی و اجتماعی گردید، مجال انتقال مسالمت‌آمیز قدرت یا مشارکت سیاسی افراد و جریان‌های سیاسی را از طریق قانون گرفت. بدین ترتیب، راه‌های مسالمت‌آمیز برای مخالفت با اهداف و برنامه‌های کارگزاران حکومت شکست خورد و راه برای ظهور و بروز افکار و اقدامات قهرآمیز و خشن بازتر شد.

گروه‌ها و جریان‌های سیاسی علاقه‌مند به مشی چریکی در ایران که سازمان مجاهدین خلق ایران از جمله آن‌هاست، پیروی از این نظریه را نه بر اساس علائق دینی و مذهبی، بلکه بر اساس گفتمان غالب مبارزاتی آن دوران که در انحصار نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار داشت، برگزیدند. سازمان مجاهدین خلق، که در سال ۱۳۴۴ تأسیس شد و در سال ۱۳۵۰ موجودیت خود را اعلام کرد، با مشاهده چنین تحولاتی سرانجام در سال ۱۳۵۴ طی اعلامیه‌ای رسماً اعلام کرد که رهبری سازمان، مشی مارکسیستی را به عنوان ایدئولوژی سازمان پذیرفته است. این اقدام باعث شد که سازمان عملاً پشتوانه‌های فکری و مردمی خود را از دست بدهد و در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۴-۱۳۵۷) به گروهی منزوی در داخل زندان‌ها تبدیل شود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سازمان مجاهدین با بازسازی ساختار، ایدئولوژی و سایر کادرهای خود، مجدداً وارد عرصه فعالیت سیاسی شد. تلاش اصلی سازمان در ماه‌های اولیه تأسیس نظام جدید، نفوذ در

لایه‌های مختلف نهادها و سازمان‌های حکومتی بود. رهبری سازمان قصد داشت با نفوذ در لایه‌های قدرت، موقعیت خود را در نظام آینده تثبیت کند و بخش‌هایی از حاکمیت را در اختیار گیرد. جذب و تثبیت کادرها، اعضا و هواداران از دیگر فعالیت‌های سازمان در این دوران بود. هدف از این اقدام، گسترش موقعیت اجتماعی سازمان در حدّ یک حزب فراگیر بود تا امکان دستیابی رهبری به لایه‌های فوقانی قدرت تسهیل شود. در مجموع، اقدامات فوق که بسیار زیرکانه و با ظاهری مظلومانه صورت می‌گرفت نتوانست چهره اصلی و درونی سازمان را پنهان کند.

آن‌ها با موضع‌گیری در مقابل حضرت امام(ره) و مسئولان مورد علاقه مردم، عملاً خود را رو در روی مردم قرار دادند و با افراط در این زمینه، فعالیت‌های مخفی و تروریستی خود را وسعت بخشیدند. وسعت عملیات‌های تروریستی که با اعلام رسمی سازمان صورت می‌گرفت عملاً سازمان را وارد فاز جنگ مسلحانه کرد. رجوی با اعلام این مشی، هدف سازمان را براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد و در عمل به بازوی عملیاتی دشمنان خارجی کشور تبدیل شد. در چنین شرایطی نیروهای امنیتی انقلاب اسلامی به مقابله با سازمان پرداختند و بسیاری از کادرها و اعضای سازمان را دستگیر کردند. رهبران سازمان که خود را در آستانه دستگیری و سازمان را در معرض انحلال می‌دیدند، ترجیح دادند سازمان و کادرهای باقی‌مانده را به خارج از کشور منتقل کنند. فرار رجوی همراه با بنی‌صدر به فرانسه در تیرماه ۱۳۶۱، سازمان را وارد فاز جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران کرد.

در این دوران، سازمان با تشکیل شورای ملی مقاومت در خارج از کشور عملاً کوشید جبهه‌ای متحد از مبارزین علیه نظام اسلامی ایران تشکیل دهد، اما با گذشت زمان و افشای مقاصد رجوی از تشکیل جبهه، جریان‌های شکل‌دهنده این شورا یکی پس از دیگری از شورای ملی مقاومت کناره‌گیری کردند و رجوی به تنها عضو شورای ملی مقاومت تبدیل شد. عمده‌ترین دلیل کناره‌گیری افراد و گروه‌های سیاسی از شورا، نزدیکی سازمان مجاهدین به عراق و رژیم صدام که در حال جنگ با ملت ایران بود، می‌باشد.

رهبران سازمان با این تصور که می‌توانند در آینده‌ای نزدیک به کشور بازگردند، مبارزات سیاسی و نظامی خود را سازماندهی کردند؛ اما طولانی شدن حضور آنان در خارج از کشور به دلیل ثبات نظام سیاسی ایران و هم‌سویی منافع سازمان با دشمنان متعدّد جمهوری اسلامی سبب شد رهبران سازمان با امید شکست ایران در جنگ با عراق، ورود به این صحنه را فرصت مناسبی برای براندازی جمهوری اسلامی و در نتیجه به دست گرفتن قدرت در ایران تشخیص دهند.

در پی عزیمت مسعود رجوی و مرکزیت سازمان به عراق و تشکیل ارتش آزادی‌بخش ملی در این کشور و قرار گرفتن سازمان در کنار ارتش عراق، مبارزه سازمان با جمهوری اسلامی ایران شکل تازه و منحصر به فردی به خود گرفت. از این پس، سازمان با تمام توان انسانی، فنی و لجستیکی در مقابل ملت ایران و در کنار لشکریان صدام قرار گرفت تا در سقوط نظام سیاسی ایران یار و مددکار صدام و ابرقدرت‌ها باشد. در این دوره سازمان با اقداماتی مانند جاسوسی از داخل خاک ایران، بازجویی از اسرای ایرانی، کمک به سیستم شنود ارتش عراق، فریب واحدهای عملیاتی با ورود به شبکه مخابرات نیروهای ایرانی، شناسایی خطوط دفاعی ایران، انجام عملیات‌های نظامی و... در خدمت ارتش عراق قرار گرفت.

۱-۲- تعریف مسأله و بیان سوال‌های اصلی تحقیق

از منظر علوم سیاسی، همواره بین اختلافات داخلی و وقوع جنگ میان کشورها رابطه مستقیمی وجود دارد. تقریباً در هر دوره تاریخی، وجود اوضاع ناآرام داخلی، قدرت‌های خارجی را برای مداخله وسوسه کرده است. در جریان وقوع انقلاب در یک کشور، گروه‌های انقلابی ضعیف یا گروه‌هایی که موفق به سهمین شدن در قدرت سیاسی نشده‌اند، به موضع‌گیری در برابر گروه حاکم می‌پردازند. تحرکات و تشنجات داخلی، همواره به منزله محرکی برای آغاز جنگ میان کشور انقلابی و دشمنان خارجی آن به شمار می‌آید. در منازعه بین دو حکومت، گروه‌های مخالف در هریک از دو کشور، وسیله دستیابی اهداف و استراتژی طرف مقابل قرار می‌گیرند. در چنین حالتی، گروه‌های مزبور سرنوشت خود را با استراتژی کشور مهاجم گره می‌زنند و تمام امکانات محلی قدرت خود را در راستای تحقق هدف مشترک به کار می‌گیرند.

طی جنگ ایران و عراق نیز، چنین فرآیندی وجود داشت. رژیم عراق با حمایت از گروه‌های مخالف نظام انقلابی ایران، همچون جبهه خلق عرب در اوایل جنگ و سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین) و حزب دموکرات کردستان و حزب کوموله درصد بهره‌برداری از آن‌ها علیه جمهوری اسلامی برآمد. در این میان، همکاری منافقین با رژیم عراق به واسطه ماهیت این گروه نسبت به سایر گروه‌ها از برجستگی خاصی برخوردار است.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی سازمان مجاهدین خلق ایران که پس از انقلاب به سازمان منافقین شهرت یافت، یکی از کانون‌های مبارزه علیه رژیم پهلوی بود. این سازمان با ساختار تشکیلاتی منظم و نیز برخورداری از امکانات گسترده در راستای مبارزه مسلحانه و تظاهر به گرایش‌های اسلامی توانسته بود، افراد زیادی را جذب

کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با قدرت‌طلبی رهبران، گرایش‌های غیردینی آن‌ها آشکارتر شد. با جبهه‌گیری نیروهای انقلابی در برابر آن، این سازمان به تدریج به مخالفی برانداز در برابر نظام اسلامی ایران تبدیل شد و در آشفتگی‌هایی که پس از انقلاب پدید آمد، نقش محوری را ایفا کرد. این سازمان با موج تروری که در اوایل انقلاب به راه انداخت، بسیاری از افراد و شخصیت‌های وفادار به امام (ره) و انقلاب را به شهادت رساند. بحث برانگیزترین اقدام این سازمان، همکاری با رژیم عراق در تهاجم این کشور علیه ایران بود؛ خیانتی که به آسانی از حافظه ملت ایران محو نخواهد شد. براین اساس آن‌چه در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته است، فعالیت‌ها و اقدامات سازمان مجاهدین، طی جنگ ایران و عراق و بررسی نقش این سازمان در روند تحولات جنگ است. سؤال‌های اصلی این تحقیق عبارتند از:

- ۱- علل زاویه پیدا کردن مجاهدین با نیروهای انقلاب و در نهایت رویارویی این دو طیف چه می باشد؟
- ۲- دلایل همکاری نزدیک مجاهدین که خود را حامی خلق ایران معرفی می‌نمود با صدام که اصلی‌ترین دشمن ملت ایران محسوب می‌شده، چه بوده است؟
- ۳- مواضع و عملکرد منافقین در طول جنگ هشت ساله عراق علیه ایران و تأثیر آن در تحولات میدانی جنگ به چه صورت بوده است؟

۱-۳- فرضیه‌ها

- ۱- مجاهدین خلق به واسطه تفکرات التقاطی و نیز روحیه تمامیت‌خواهی، از صف انقلابیون جدا شده و درصدد براندازی نظام جمهوری اسلامی برآمدند.
- ۲- سازمان براساس تفکر «استفاده از چالش کوچک در تقابل با چالش بزرگ» به منظور از بین بردن نظام جمهوری اسلامی به عنوان چالش بزرگ با عراق به عنوان چالش کوچک هم‌پیمان شدند تا پس از براندازی حکومت جمهوری اسلامی بتوانند قدرت را در ایران به دست گیرند.
- ۳- مهمترین اقدام سازمان در همکاری با رژیم صدام، جاسوسی برای این کشور بود که بدین وسیله، سازمان توانست امکانات مالی و پشتیبانی فراوان از صدام به دست آورد.

۱-۴- سابقه و ضرورت انجام تحقیق

در رابطه با سازمان مجاهدین تا کنون مطالعات و پژوهش‌های زیادی انجام شده است، لیکن به طور مشخص به نقش سازمان در جنگ تحمیلی کمتر پرداخته شده و این بخش از تاریخ جنگ و سازمان مورد غفلت واقع شده است. برخی از منابعی که به این موضوع پرداخته‌اند، عبارتند از:

الف : سازمان مجاهدین خلق، پیدایی تا فرجام؛ این کتاب که پژوهش نسبتاً کاملی در رابطه با تاریخ سازمان مجاهدین می‌باشد، توسط گروهی از پژوهشگران تألیف گردیده و در نوع خود به لحاظ حجم و گستردگی پژوهش یک اثر منحصر به فرد می‌باشد. در این کتاب ۳ جلدی به بررسی تحولات سازمان مجاهدین، قبل از تأسیس تا زمان معاصر (در حدود ۸ سال قبل)، به صورتی جامع پرداخته شده است. نویسندگان این اثر مهم‌ترین دلیل رویارویی سازمان با انقلاب ایران را برداشته‌های غلط رهبری سازمان از اوضاع بیان کرده‌اند.

ب : رد پای اهریمن؛ آنچه در این کتاب آمده است قسمتی از همکاری اطلاعاتی مجاهدین و ارتش بعثی عراق (با استناد به مشاهدات و تجربیات «صمد نظری»، یکی از کادرهای اطلاعاتی مجاهدین) است. نویسنده در این اثر کوشیده است یکی از موارد مهمی که دفاع مقدس ۸ ساله با آن درگیر بوده و تا کنون در تاریخ‌نگاری جنگ تحمیلی مغفول مانده است را برای آگاهی نسل‌های آتی به نگارش درآورد. البته همان‌طور که بیان شد این کتاب بیشتر جنبه بیان خاطرات داشته و از قالب آکادمیک تبعیت نمی‌نماید.

ج : روزهای تاریک بغداد؛ ساختار کتاب بر خلاف سایر خاطرات نگاشته شده بر مبنای ترتیب زمانی یا مکانی نگارش نشده است. علت اساسی آن نیز ضرورت انتقال سریعتر این تجربیات تلخ به مردم و افکار عمومی و فعالیت سیاسی بوده است. هر چند نگارش خاطرات بر اساس ترتیب زمانی برای خواننده و نگارنده ساده‌تر بوده است. این کتاب حاصل تجربیات محمد حسین سبحانی، یکی از اعضای بریده مجاهدین می‌باشد که پس از رهایی از زندان سازمان به نگارش درآمده است.

د : برای قضاوت تاریخ؛ این کتاب حاوی متن مذاکراتی ویژه، همراه با CD آن، نمود دیداری و شنیداری و عین فیلم این مذاکرات است و روایت‌گر مجموعه قرار و مدارها و بده‌بستان‌های «مسعود رجوی» رهبر «سازمان مجاهدین خلق» از یک سو و مسئولان سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی رژیم «صدام حسین» از سوی دیگر است. این کتاب را می‌توان به عنوان مهم‌ترین سند برای بررسی روابط سازمان با رژیم بعث در نظر گرفت. در رابطه با ضرورت انجام این پژوهش نیز می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

سازمان مجاهدین خلق به دلایل متنوع و مختلفی از دهه پنجاه شمسی به بعد در بین گروه‌ها و احزاب ایران یکی از مطرح‌ترین و فعال‌ترین گروه‌ها محسوب شده است که افکار عمومی نسبت به آن توجه و حساسیت خاصی نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد چگونگی داوری موجود درباره این سازمان به شرح ذیل قابل توصیف و دسته‌بندی است:

۱- در فضای نیروهای روشنفکری و نخبگان با تأکید بر وجه خشونت‌ورزی و شورشگری مسلحانه در هویت و استراتژی این سازمان، غالباً نسبت به آن از موضع نفی و مخالفت سخن می‌گویند و این سازمان را در زمره گروه‌های چریکی و تروریستی محسوب می‌کنند.

۲- افکار عمومی اقشار مختلف مردم ضمن تقید به تسمیه این گروه به نام «منافقین» و قرار دادن آن در کنار صدام، عامل تجاوز خونین به کشور و تحمیل جنگ، اعلام برائت از این گروه در شعارهای خود را نوعی وظیفه دینی و انقلابی می‌دانند. بسیاری از نظرسنجی‌ها به شیوه علمی نیز آشکار ساخته که در نظر اغلب مردم، «منافقین» به عنوان گروهی که برای دستیابی به قدرت، خون بیگناهان بسیاری را بر زمین ریخته‌اند، شناخته می‌شوند.

۳- در فضای بین‌المللی، به ویژه پس از اعلام مواضع رسمی دولت آمریکا در آبان ۱۳۷۳ (اکتبر ۱۹۹۴) و مواضع مشابه چند کشور غرب اروپا و سپس اتحادیه اروپا مبنی بر شناسایی این سازمان به عنوان «یک گروه تروریستی که رسماً فقط مورد حمایت دولت بعثی صدام قرار داشته است»، بخش‌های اصلی نخبگان سیاسی و افکار عمومی اغلب کشورهای غربی و خاورمیانه، هماهنگ با گسترش فضای جهانی ضدتروریسم در یک دهه گذشته، آن را مطرود و محکوم ساخته‌اند. حتی اکثر گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج کشور نیز سازمان مجاهدین را یک «فرقه تروریستی» با ایدئولوژی خون و خشونت توصیف می‌کنند. اگرچه ذکر این موضوع نیز ضروری می‌نماید که در سال‌های اخیر به واسطه منازعات سیاسی میان ایران و غرب، اروپا و آمریکا به ترتیب مجاهدین را از فهرست گروه‌های تروریستی خود خارج کرده‌اند.

بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع در حوزه داخلی و خارجی، نگارش یک پژوهش آکادمیک و دانشگاهی در این رابطه ضروری می‌نماید.

۱-۵- اهداف

مهم‌ترین هدف این پژوهش آگاهی بخشی به عملکرد سازمان مجاهدین خلق در طول جنگ هشت‌ساله صدام علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

۱-۶- کاربردهای تحقیق

امید است نتایج حاصل از این تحقیق بر افزایش آگاهی‌های محققین و پژوهشگران تاریخ معاصر و مردم بیفزاید.

۱-۷- روش انجام تحقیق

روش انجام این پژوهش کتابخانه‌ای و اسنادی است.

۱-۸- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات این پژوهش شامل تهیه فیش، مصاحبه و بررسی اسناد است.

۱-۹- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده این پژوهش، توصیفی و تحلیلی می‌باشد.

فصل دوم

ریشه‌ها و زمینه‌های شکل‌گیری، تأسیس و

فعالیت سازمان تا انقلاب اسلامی

۲-۱- زمینه‌ها و شرایط شکل‌گیری

در سوم شهریور ۱۳۲۰ برابر با ۱۵ آگوست ۱۹۴۱م. ایران به بهانه وابسته بودن رژیم پهلوی اول به آلمان، توسط متفقین اشغال شد. در واقع، علت اصلی اشغال ایران، ایجاد امنیت در محور تدارکاتی متفقین (ایران) بود. آن‌ها می‌خواستند به راحتی از اتحاد جماهیر شوروی در مقابل حمله آلمان از محور اروپای شرقی حمایت کنند. وابستگی رضاشاه به آلمان بهانه‌ای بیش نبود. آلمان در آن زمان نیروی چندانی در ایران نداشت و سفارت‌خانه این کشور فقط با تعدادی جاسوس و وابسته نظامی تقویت شده بود. متفقین با این اقدام توانستند نیازهای جنگی اتحاد جماهیر شوروی را تأمین کنند. بنابراین، حکومت دیکتاتوری بیست ساله رضاشاه با تهاجم خارجی از پای درآمد. پس از اشغال ایران، کابینه‌های متعددی بر سر کار آمدند که عمر هر یک چند ماه بیشتر نبود.

حاصل فعالیت‌های دولت‌های مختلف در این دوران، وابستگی بیش از پیش ایران به کشورهای خارجی بود که بیش از همه، نیروهای مذهبی و ملی را آزار می‌داد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم، به سرعت زمینه‌های اختلاف میان دول متفق پدید آمد. یکی از موارد اختلافات، مسئله نفت ایران بود. شوروی، برای تحت فشار قرار دادن ایران جهت اعطای امتیاز نفت شمال، از خروج نیروهای خود از ایران خودداری می‌کرد. در حالی که سران دول متفق در کنفرانس تهران در سال ۱۹۴۲ توافق کرده بودند ظرف ۶ ماه پس از پایان جنگ، تمامی نیروهای خود را از ایران خارج کنند. آمریکا و انگلیس به این توافق عمل کردند اما روس‌ها همچنان نیروهای خود را در ایران نگه داشتند. در این حال فرقه دموکرات به رهبری احمد پیشه‌وری در آذربایجان، آشکارا علیه حکومت ایران سر به شورش برداشت. روس‌ها نیز از حرکت نیروهای دولتی ایران به سمت آذربایجان جهت سرکوبی شورش جلوگیری کردند. (امینی، ۱۳۸۱: ۸۲)

در ژانویه ۱۹۴۶ حکیمی - نخست‌وزیر - به حسن تقی‌زاده سفیر ایران در لندن و نماینده ایران در سازمان ملل متحد دستور داد تا شکایت ایران از شوروی را تسلیم شورای امنیت نماید. ولی دولت شوروی اعلام داشت که رسیدگی به موضوع در صلاحیت شورای امنیت نیست بلکه باید از طریق مذاکرات دو جانبه بین ایران و شوروی حل گردد. دوباره تقی‌زاده شکایت ایران را مطرح نمود و اقدام دولت شوروی را نقض آشکار پیمان سه‌گانه ۱۹۴۲ و اعلامیه تهران خواند. بالاخره با کشمکش‌هایی که صورت گرفت در ۳۰ ژانویه ۱۹۴۶ شورای